

واکاوی اهداف دانش کلام از منظر متکلمان امامیه، با تأکید بر دیدگاه فیاض لاهیجی

محمد میثم حقگو*

چکیده

به طور کلی اهداف دانش کلام را می‌توان از سه طریق بازشناسی نمود: بررسی تعریف‌های اغراضی کلام؛ بازخوانی اهداف و کشف اهداف. در این تحقیق، روش اول و دوم در آثار لاهیجی بررسی شده است. لاهیجی با توجه به دو دوره متکلمان متقدم و متأخر، اهداف هر دوره را بیان داشته و پنج هدف این دانش و نیز هدف نهایی از آن را به تفکیک مطرح نموده است. اگرچه تألیفات کلامی متعددی که از ایشان باقی مانده، هماهنگی کاملی در زمینه بیان اهداف دانش کلام ندارد، اما از مجموع آثار ایشان هر دو هویت «دفاعی» و «معرفت‌زایی» دانش کلام قابل برداشت است و خود وی نیز کلام متأخران را مشتمل بر هر دو حیثیت مزبور دانسته است. اهدافی نیز که در شوارق الإلهام بیان شده، در عین جامع‌گرایی نسبی و توجه به ابعاد مختلف تاثیرگذاری این دانش، مبتلا به اشکالاتی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: فقدان جامعیت کامل، بی‌دلیل بودن اختصاص برخی اهداف به بعضی گروه‌ها، درج کارکردهای ثانویه و نهایی در زمره اهداف اصلی، استفاده از واژگان مختلف در بیان اهداف و عدم تصریح به منظور از این واژگان.

واژگان کلیدی

کلام، امامیه، هدف، کارکرد، تعریف، فیاض لاهیجی، شوارق الإلهام، گوهر مراد

haghgoo@whc.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۷

*. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۵

طرح مسئله

در بررسی اهداف کلام در اندیشه متکلمان امامیه، ملاعبدالرزاق لاهیجی، ملقب به فیاض (م. ۱۰۷۲ ق) با تفصیل ویژه‌ای به این حوزه پرداخته است. ایشان در اثر گران سنگ *شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام* در مطلبی با عنوان «فی بیان فائده علم الکلام» اهداف علم کلام را بیان نموده است. همچنین در ضمن تعریف علم کلام در مقدمه کتاب گوهر مراد در این زمینه سخن گفته است. ایشان از بزرگ‌ترین اندیشمندان امامیه در قرون اخیر است که جایگاه علمی و عملی برجسته‌ای در میان علمای شیعه دارد. کوتاه سخن در این باب، عبارتی از استاد جلال‌الدین آشتیانی است:

یکی از اساتید بزرگ فلسفه و حکمت و کلام در دوران اخیر، فیلسوف علامه و حکیم متأله، آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی است که از اعظم تلامیذ آخوند ملاصدرا و از اجله محققان عصر خود در حکمت مشاء و اشراق و یکی از بزرگ‌ترین متکلمان در چهار قرن اخیر، بلکه یکی از محقق‌ترین متکلمان در دوره اسلامی می‌باشد ... در بین محققان بعد از خواجه به‌جز ملاصدرا و میرداماد، به عقیده نگارنده نظیر ندارد؛ ولی همان‌گونه که استاد ما آقای میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی فرموده است، مقامات و مراتب علمی و قدر این فیلسوف مخفی مانده است. (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۸۸ - ۲۸۷)

پایه‌ریزی علوم بر غایات و اهداف مشخص و ذکر ویژگی‌های آن، بستر مناسب برای تحقیق و پیگیری بیشتر را برای دانش‌پژوهان فراهم می‌سازد. از نظر فیاض لاهیجی، ضرورت بیان اهداف علم برای محصلان - علاوه بر اینکه باعث افزایش رغبت آنها در فراگیری می‌شود - از آن‌رو است که اگر محصل گمان کند علمی هدف ندارد، هیچ‌گاه در مسیر فراگیری آن علم قرار نخواهد گرفت و اگر برای علم، به هدفی غیرمنطبق با هدف واقعی آن معتقد شود، هرچند رغبت در فراگیری خواهد داشت، هیچ‌گاه به آن هدف موهوم دست نمی‌یابد و چه‌بسا هدف واقعی علم نیز برای او محقق نشود. (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۷۳)

هدف‌گذاری یک دانش، به همه سویه‌ها از جمله موضوع، روش، ساختار و مسائل آن جهت خاصی می‌دهد. علاوه بر آن، شناخت موضوع علم، از طریق آگاهی از هدف علم حاصل می‌شود. هدف علم، موضوع علم و در پی آن، تعریف آن علم را مشخص می‌کند. (سبحانی، ۱۴۲۵: ۵ / ۲۳) با توجه به موضوع، مسائل شکل می‌گیرد و روش بحث و ساختار مباحث نیز منطبق با تعریف و غرض دانش انتخاب می‌شود. البته باید تذکر داد که در بررسی علوم مختلف در برهه‌های طولانی، ممکن است برخی ناسازگاری‌ها بین مقام توصیه و مقام تحقق دانش یا میان ابعاد مختلف آن مشاهده شود. در مقایسه علوم با یکدیگر و شناخت نقاط قوت و ضعف نیز - به‌ویژه بر مبنای تمایز علوم به اغراض - توجه به اهداف سودمند است.

نکته دیگر آنکه، در تبیین اهدافی که متکلمان مسلمان و به طور خاص، متکلمان امامیه در نظر داشته‌اند، تاکنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است. آنچه در کتب و مقالات محققان معاصر درباره اهداف دانش کلام

مطرح شده، اغلب اظهارنظر و جمع‌بندی خود مؤلف است که به صورت مختصر و بدون توجه کافی به «متن» آثار سلف نگارش شده است. (ر.ک: کاشفی، ۱۳۸۶: ۴۱ - ۳۶؛ جبرئیلی، ۱۳۹۴: ۴۳ - ۴۲؛ برنجکار، ۱۳۹۴: ۲۳ - ۲۲) بدین ترتیب روشن است که درباره هدف‌گذاری دانش کلام از منظر محقق لاهیجی نیز تحقیق و بررسی خاصی انجام نشده است و این مسئله حتی در آثاری که درباره سرگذشت و تألیفات ایشان به نگارش درآمده نیز مطرح نشده یا به یک گزارش اجمالی اکتفا شده است. (ر.ک: جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰؛ عطایی نظری، ۱۳۹۰؛ همو، ۱۳۹۲) در این تحقیق، سعی نگارنده بر آن بوده است که با تتبعی گسترده، عبارات متکلمان امامیه در تبیین اهداف دانش کلام را گردآوری و دسته‌بندی نماید و پس از ارائه فضای عمومی این مبحث در کلام امامیه، اندیشه‌های فیاض لاهیجی را بررسی کند.

بازشناسی اهداف دانش کلام

شناسایی اهداف دانش کلام دست‌کم از سه طریق امکان‌پذیر است. راه اول، بررسی نوع خاصی از تعاریف علم کلام است که اصطلاحاً «تعریف به غرض» یا «تعریف اغراضی» نامیده می‌شود. راه دوم، مراجعه به آثاری است که با طرح مباحثی از فلسفه علم کلام و با سبک معرفت‌شناسی پسینی^۱ این اهداف را به‌صراحت بیان کرده‌اند. راه سوم، تلاشی مضاعف می‌طلبد و محقق می‌کوشد تا از متون کلامی و نحوه ساختارها و نوع مسائل، اهداف اصلی و فرعی را استکشاف نماید. راه اول و دوم، مقام توصیه و توصیف را می‌نمایاند و راه سوم در مقام تحقق این اهداف است.

در تبیین هدف‌گذاری حکیم لاهیجی، راه اول و دوم را به‌ترتیب می‌پیماییم که در این جهت بایسته است دیدگاه سایر متکلمان امامیه نیز مرور گردد تا جایگاه فیاض در این مبحث روشن شود. بررسی نتایج راه سوم، نیازمند بازخوانی متون و ابواب مختلف کلامی در آثار ایشان است که با توجه به گستردگی و تنوع، مجال دیگری می‌طلبد.

الف) بررسی تعاریف اغراضی

علوم را به چند شیوه می‌توان تعریف کرد: تعریف از طریق بیان موضوع، تعریف از طریق غایت و تعریف شیوه روش. جامع‌ترین تعریف علم کلام آن است که موضوع، روش بحث و استدلال و غایت کلام یا وظیفه متکلم را در نظر آورد؛ (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱: ۲۲) اما در بیشتر تعاریف علم کلام، این جامعیت وجود ندارد و گونه‌های مختلفی از تعریف، طبق تنها یکی از موارد یادشده یا ترکیبی از آنها ارائه شده است. با صرف‌نظر از

۱. «Aposteriori Epistemology» به معنای معرفت‌شناسی بعد از تحقق علم است که با تعبیرهای معرفت‌شناسی درجه دوم یا فلسفه مضاف نیز مطرح شده است.

نقل و بررسی تعاریف متعدد علم کلام، چند تعریف محقق لاهیجی بازگو می‌شود و با توجه به دسته‌بندی ایشان، سایر تعاریف امامیه نیز ذکر شده، اهداف مطرح در این تعاریف بررسی خواهد شد. فیاض لاهیجی در گوهر مراد، کلام قدما را از کلام متأخران متمایز می‌کند و برای هریک، تعریف جداگانه‌ای دارد. وی کلام قدما را دفاعی دانسته و چنین معرفی کرده است:

کلام قدما صنعتی باشد که قدرت بخشد بر محافظت اوضاع شریعت به دلایلی که مؤلف باشد از مقدمات مسلمه مشهوره در میان اهل شرایع؛ خواه منتهی شود به بدیهیات و خواه نه. و قدمای اهل اسلام را حاجت به این صنعت از دو جهت بوده: یکی محافظت عقاید شرعیه از تعرض اهل عناد از سایر اهل ملل و شرایع، و این حاجت شامل عامه اهل اسلام است؛ و دیگری اثبات مقاصد هر فرقه از فرق اهل اسلام به خصوص و محافظت اوضاع آن فرقه از تعرض سایر فرق اسلام، و این نسبت به هر فرقه لامحاله مختلف شود. (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۱۹)

اما به تدریج هویت معرفت‌زایی نیز بر دانش کلام افزوده شد. وی می‌نویسد:

و اینکه گفتیم در مبدأ حدوث کلام بود در میان اهل اسلام، و رفته‌رفته در کلام افزودند و به مجرد محافظت اوضاع اکتفا نکرده، شروع در تحریر و تقریر ادله بر اصول و قواعد دینیّه نمودند... (همان: ۴۳)

ایشان در *شوارق الالهام* پس از بیان و بررسی تعریف‌های مختلفی که از دانش کلام ارائه شده، در نهایت بهترین تعریف را چنین می‌داند: «الكلام صناعة نظرية يقتدر بها على إثبات العقائد الدينية». (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۵۱) در این تعریف، غرض از این علم، اثبات عقاید دینی دانسته شده است. «اثبات عقاید» هم جنبه معرفت‌بخشی علم کلام را شامل می‌شود و هم جنبه دفاعی آن را. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۱۷) شاهد بر این نکته، تشابه تعریف ایشان با تعریف عضدالدین ایجی است که ایشان پیش از تعریف خود ذکر و بررسی نموده و در آن تعریف، مراد از «اثبات» این‌گونه تبیین شده است: «الكلام علم يقتدر معه على إثبات العقائد الدينية بإيراد الحجج ودفع الشبهة عنها». (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۱)

بنابر این دسته‌بندی، تعاریف دانش کلام قابل تقسیم بر دو نوع است: تعریف براساس اهداف دفاعی؛ تعریف ترکیبی اهداف دفاعی و معرفتی.

۱. تعریف بر اساس اهداف دفاعی

در دوران‌های نخستین پس از اسلام، کلام دانشی معرفی شد که به دفاع از آموزه‌های دینی می‌پرداخت.

(فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۴۲؛ سبحانی، ۱۴۲۵: ۵ / ۲۳ - ۲۲؛ نعمانی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۲۴؛ افضل، ۱۳۸۹: ۹) برخی معاصران به طور مشخص، دانش کلام در قرن اول و دوم را این چنین تصویر می کنند (برنجکار، ۱۳۹۴: ۱۹) و دسته‌ای از تعاریف که برای علم کلام ذکر شده، ناظر به همین هدف است.

ظاهراً فارابی (م. ۳۳۹ ق) سرآغاز این تصویرگری است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷: ۱۴۵) وی در *إحصاء العلوم* می‌نویسد:

صناعة الكلام ملكة يقتدر بها الانسان على نصره الآراء و الانفعال المحدودة التي صرح بها واضع الملة، وتزييف كل ما خالفها بالأقوال. (آل یاسین، ۱۴۰۵: ۳۸۵)

فن کلام ملکه‌ای است که آدمی به وسیله آن می‌تواند از عقاید و افعالی که صاحب دین به آن تصریح کرده، دفاع کند و باطل بودن هر آنچه را با دین مخالفت دارد، با سخن و کلام اثبات نماید.

علم کلام در اشاره تلویحی شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق) به تعریف و وظیفه کلام، عبارت است از: علمی که با کاربری صحیح آن، به وسیله کلام خداوند و رسول و ائمه یا با معانی کلام آنها، با مخالفان مواجه شود.

(شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۴۳؛ مکدرموت، ۱۳۷۲: ۹)

در تعریف منسوب به شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) نیز آمده است:

کلام دانشی است که از طریق استدلال، برهان و جدل به طرد باطل می‌پردازد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۰ - ۶۸؛ مکدرموت، ۱۳۷۲: ۱۰)

اهمیت این هدف به اندازه‌ای است که برخی مدعی شده‌اند در اغلب موارد، فهم و تبیین و اثبات گزاره‌های دینی مقصود بالأصله متکلمان نبوده است؛ بلکه اقدامی در خدمت رفع یا دفع شبهات اعتقادی بوده است. (اسدی، ۱۳۸۷: ۴۳)

فیاض لاهیجی در *الكلمة الطيبة* بر هویت دفاعی دانش کلام تأکید ورزیده است. وی در مقایسه متکلم و حکیم، وظیفه کلام را منحصر در محافظت اوضاع شریعت در مقابل شبهه‌های معاندان دانسته، می‌نویسد:

المتكلم إن هو إلا حافظ الأوضاع، وليس من طالبي المعرفة، لأن الكلام صناعة جدلية يقتدر بها على محافظة عقائد الإسلام عن إيرادات المعاندين بطريق الجدل - لاستحالة أن يرد عليها شيء على سبيل البرهان، فليس على المتكلم إلا المحافظة على تلك العقائد و دفع الاعتراضات عنها بمقدمات مسلمة أو مقبولة أو مشهورة يحصل بها إلزام الخصم فقط. وليس عليه إثبات تلك العقائد بمقدمات برهانية. (فیاض لاهیجی، ۱۳۹۱: ۱۲۱؛ نیز ر.ک: ۱۲۲)

این تأکید انحصارگرایانه با آنچه درباره تقسیم کلام به دو دوره قدما و متأخران از قول ایشان نقل شد،

هماهنگ نیست. شاید تنها توجیه در این زمینه، توجه فیاض به سیر تاریخی نگارش آثار کلامی باشد. از قرآنی برمی آید که به احتمال زیاد *الكلمة الطيبة* جزء اولین نگاه‌های کلامی ایشان و *شوارق الإلهام* از آخرین آثار باشد. (عطایی نظری، ۱۳۹۲: ۸۲ - ۷۸) در این صورت می‌توان گفت نگاه اولیه فیاض به وظیفه و هدف دانش کلام (انحصار در دفاع) به‌مرور تکامل یافته و در آثار اخیر او نظیر *گوهر مراد و شوارق الإلهام* منعکس شده و ناظر به هر دو حیث دفاعی و معرفت‌زایی بیان شده است.

۲. تعریف ترکیبی اهداف دفاعی - معرفتی

همان‌طور که فیاض لاهیجی نیز بیان داشته است، شاهد آنیم که به‌مرور، رویکرد معرفت‌زایی در علم کلام توسعه یافت و متکلمان با توجه به ضرورت استنباط و استدلال در حوزه اعتقادات دینی، بُعد دیگری را افزودند:

شیخ طوسی (۴۶۰ ق) در تعریف علم کلام می‌نویسد:

کلام دانشی است که در آن از ذات خداوند و صفاتش و مبدأ و معاد براساس قانون شرع بحث می‌شود. (شیخ طوسی، ۱۳۵۱: ۲ / ۲۳۷)

تعریف فاضل مقداد (م. ۸۲۶ ق) چنین است:

علمی است که از ذات و صفات و افعال خداوند و احوال موجودات ممکن از حیث مبدأ و معاد بحث می‌کند. (سیوری حلی، ۱۴۰۵: ۱۵)

میرسید شریف جرجانی^۱ (م. ۸۱۶ ق) چهار تعریف از علم کلام مطرح نموده که همگی براساس معرفت‌زایی این دانش است:

علمی است که از اعراض ذاتی موجود، از آن حیث که موجود است، براساس قاعده اسلام بحث می‌کند؛ (جرجانی، ۱۴۱۲: ۶۷)

علمی است که از ذات و صفات خداوند و احوال موجودات ممکن از حیث مبدأ و معاد، طبق قانون اسلام بحث می‌نماید؛ علمی است بحث‌کننده از اموری که با آنها معاد و آنچه متعلق به آن است، از قبیل بهشت و دوزخ و صراط و میزان و ثواب و عقاب دانسته می‌شود؛ گفته شده کلام، علم و اعتقاد به قواعد شرعی است که با استفاده از ادله حاصل می‌شود. (همان: ۸۰)

۱. به‌رغم اختلاف در مذهب او، نویسندگانی همچون قاضی نورالله شوشتری، آقابزرگ تهرانی و سیدمحسن امین بر تشیع او تأکید کرده‌اند. (ر.ک: شوشتری، ۱۳۷۷ ق: ۲ / ۲۱۷؛ تهرانی، ۱۳۶۳: ۴ / ۹۱ - ۹۰؛ امین، ۱۴۰۳: ۷ / ۳۳۸)

در این تعاریف، کلمه «بحث» شایان توجه است و می‌تواند هر دو جنبه دفاع و معرفت‌زایی را پوشش دهد. در تعریف شهید مطهری از دانش کلام، این واژه به‌وضوح تبیین شده است:

علم کلام علمی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث می‌کند؛ به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید. (مطهری، ۱۳۸۹: ۳ / ۵۷)

در برخی تعاریف دیگر، تلفیق این دو بعد به‌صراحت مطرح شده است و آنچه فیاض لاهیجی بیان داشت، با تفصیل بیشتری بیان شده است:

در *دلائل الصدق* آمده است:

علم کلام، اقامه بهترین حجت معتبر از عقل و نقل، بر اصول دین است؛ برای ارشاد طالبان هدایت و الزام دشمنان و حفظ پایه‌های دین از اینکه شبهه‌های اهل باطل آن را بلرزاند. (مظفر، ۱۴۲۲: ۱ / ۱۸)

شهید مطهری (م. ۱۳۵۸) با دو بیان نزدیک به هم می‌نویسد:

علم کلام علمی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث می‌کند؛ به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید؛ (مطهری، ۱۳۸۹: ۳ / ۵۷)

علمی است که درباره اصول دین اسلام بحث می‌کند؛ به این نحو که چه چیز از اصول دین است و چگونه و با چه دلیل اثبات می‌شود و جواب شکوک و شبهاتی که در مورد آن وارد می‌شود، چیست. (همان: ۳ / ۶۲)

تعریف استاد مطهری چند وظیفه سنگین را برای علم کلام برمی‌شمارد: معرفی اصول دین و توضیح آنها؛ استدلال بر عقاید دینی و تلاش بر اثبات آنها؛ دفاع از عقاید دینی و دفع شبهات و ایرادات وارد بر آن. (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶ - ۱۳۵)

سایر اندیشمندان معاصر نیز تلاش کرده‌اند تعریفی جامع و ترکیبی (شامل موضوع، روش و هدف) ارائه دهند که به چند نمونه اشاره می‌گردد:

کلام علم به قواعد و مسائلی است که نتیجه‌اش، توانایی بر اثبات اصول دین و دفع شبهات با دلیل و برهان و تطبیق آنها با قواعد عقلی است. (صفایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۷)

کلام علمی است که عقاید دینی را تبیین کرده، با استفاده از روش‌های مختلف، آنها را اثبات می‌کند و با پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، ایرادها و شبهات، از آنها دفاع می‌کند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۱۷)

کلام یک دانش از مجموعه دین پژوهی است که به استنباط، تنظیم و تبیین معارف و مفاهیم اعتقادی پرداخته، آنها را براساس شیوه‌ها و روش‌های مختلف درون و برون دینی، اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراض‌ها و شبهات مخالفان اعتقادی پاسخ می‌دهد. (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۲۷)

کلام دانشی است که به استنباط، توضیح، تنظیم و اثبات عقاید اسلامی (با استفاده از روش‌های مختلف) و دفاع از آن می‌پردازد. (کاشفی، ۱۳۸۶: ۳۰)

علم کلام دانشی است که درباره اعتقادات دینی به شیوه عقلی و نقلی بحث می‌کند و ضمن استنباط این اعتقادات از منابع آن، به تبیین، تنظیم و اثبات اعتقادات دین پرداخته، به شبهات و اعتراضات مخالفان پاسخ می‌گوید. (برنجکار، ۱۳۹۴: ۲۱)

۳. استخراج اهداف از تعاریف اغراضی

از تعریف و تبیین حکیم لاهیجی از کلام متأخران برمی‌آید که دانش کلام بر دو هدف اساسی بنا شده است: هدف اصلی در بدو امر، دفاع از آموزه‌های دینی بوده و در ادامه، هدف معرفت‌زایی نیز افزوده شده است. فصل مشترک در میان این دو نوع هدف، هویت «آموزش‌محوری» است که در نتیجه، دغدغه متکلم را بر تولید دانش و معرفت نظری در حوزه اعتقادات اسلامی و فرقه‌ای متمرکز می‌گرداند.

این دو هدف اصلی، قابل تجزیه به چند هدف فرعی است. در عموم تعاریف امامیه از دانش کلام، هدف دفاعی چندان تفکیک نشده است؛ جز آنچه فیاض لاهیجی در تعریف کلام قدما آورده و دو حیث «دفاع از دین» در برابر غیرمسلمانان و «دفاع از مذهب» در برابر سایر فرق اسلامی را مطرح نموده است. توجه به هر یک از این دو حیث، مقتضیات خاص خود را می‌طلبد و سبکی متفاوت از دیگری را در دفاع از معتقدات دینی به‌وجود می‌آورد. البته تعریف فارابی^۱ به‌گونه‌ای است که شاید بتوان به دو حیث مهم رسید؛ به این بیان که تعبیر «نصرة»، به دفاع کلامی در برابر شبهات و هجمه‌ها به عقاید صحیح دینی اشاره داشته باشد و تعبیر «تزییف کل ما خالفها» درباره عقاید معارض با دین باشد؛ یعنی پرداختن به عقایدی که در مقابل دین قرار می‌گیرد؛ هرچند کسی بر آن اساس شبهه‌ای وارد نکرده باشد.

البته در تعاریف پیش‌گفته، هدف معرفتی با تفصیل بیشتری تفکیک شده است. متأخران و معاصران، این هدف را به شاخه‌های متنوعی تجزیه نموده‌اند که در مجموع شامل چهار هدف فرعی می‌شود: «استنباط و استخراج عقاید اسلامی»، «توضیح و تبیین»، «تنظیم و تدوین» و «اثبات و استدلال». (ر.ک: کاشفی، ۱۳۸۶: ۳۷ - ۳۶؛ جبرئیلی، ۱۳۹۴: ۴۳؛ برنجکار، ۱۳۹۴: ۲۳ - ۲۲؛ رضائزاد، ۱۳۷۸: ۴۶ - ۴۰)

۱. صناعة الكلام ملكة يقتدر بها الانسان على نصره الآراء والافعال المحدودة التي صرح بها واضع الملة. و تزييف كل ما خالفها بالأقوال.

ب) واکاوی اهداف مطرح‌شده**۱. بررسی دیدگاه فیاض لاهیجی**

در برخی آثار کلامی امامیه، «هدف» و «غرض» دانش کلام و به تعبیر دیگر، «فایده» و «غایت» علم کلام یا «وظیفه» و «رسالت» متکلم مطرح شده است. با ملاحظه تعداد زیادی از این آثار به نظر می‌رسد در میان تألیفات غیر معاصر، اثری که بیشترین تفصیل، به تعریف، موضوع و غایت (فایده) علم کلام توجه نموده *شوارق الالهام* است. (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۷۴ - ۴۱) در گفتار حکیم لاهیجی - که الهام‌بخش برخی از محققان معاصر نیز بوده (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۴ - ۲۳؛ جبرئیلی، ۱۳۹۴: ۴۲) - پنج هدف^۱ مطرح شده است:

یک. هدف مرتبط با متکلم: توانایی نظری و ارتقا از مرحله تقلید به مرتبه یقین اعتقادی؛

دو. هدف مرتبط با دیگران: «ارشاد» جویندگان حقیقت با توضیح دلایل کلامی و «الزام» مخالفان با

اقامه برهان و استدلال بر آنها؛

سه. هدف مرتبط با اصول اسلام: حفظ عقاید دینی از هجمه شیعت؛

چهار. هدف مرتبط با فروع اسلام: ابتنای تمام علوم دینی بر مبانی ثابت‌شده در علم کلام؛

پنج. هدف دیگری در ارتباط با متکلم: توانایی عملی در تصحیح نیت و اخلاص در عمل و صحت اعتقاد.

منتهای اهداف و غایت‌ها: رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت. (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۷۴ - ۷۳)

این هدف‌گذاری، برگرفته از *المواقف ایچی* و شرح آن است (ر.ک: جرجانی، ۱۳۲۵ ق: ۱ / ۵۲ - ۴۹) و

برخلاف تعریف و موضوع دانش کلام که مواضع دیگران نقل و نقد می‌شود، این نقل‌قول بدون هیچ‌گونه

ملاحظه و نقدی بیان شده است که می‌تواند حاکی از تأیید آن از سوی محقق لاهیجی باشد. این نوع

هدف‌گذاری دانش کلام در میان آثار امامیه، تحلیلی مبتکرانه و بی‌سابقه است و مزایای متعددی برای آن

قابل ذکر است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین مزیت هدف‌گذاری ایشان در مقایسه با دیگر آثار این باشد که

فیاض تلاش نموده تا با یک نگاه فراگیر، به اهداف علم کلام به‌صورتی همه‌جانبه و گویای تمام زوایای

مرتبط با این دانش تصریح کند؛ توضیح اینکه، به لحاظ انسانی، سه گروه با دانش کلام مرتبط‌اند: فراگیران

این دانش، مخاطبان جویای هدایت (مخاطبان موافق) و مخاطبان مخالف. در هدف اول و دوم به این سه

گروه توجه شده است. همچنین ایشان به‌لحاظ نوع بهره‌برداری کسانی که این دانش را فرا می‌گیرند، در

هدف اول و پنجم به هر دو حیث نظری و عملی در استفاده از این دانش پرداخته است. بعد دیگر در جهت

این همه‌جانبه‌گرایی، خود دین اسلام است که رابطه دانش کلام با اصول و فروع اسلام، در هدف سوم و

چهارم بیان شده است. افزون بر همه این موارد، ایشان به غایت‌نهایی نیز توجه کرده و سعادت در دو عرصه

۱. البته ایشان در تیتراژ اصلی این مبحث از اصطلاح «غایت» استفاده نموده است؛ ولی در بیان مطلب، اصطلاح «فایده» را

به کار برده است.

دنیوی و اخروی را مطرح نموده است. این سطح از جامع‌نگری و توجه به همه سویه‌های اثرگذاری دانش کلام، از ابتکارهای جالب این هدف‌گذاری و درخور توجه است. البته برخی ملاحظات در این هدف‌گذاری قابل طرح است:

۱. با وجود جامعیت نسبی در مجموعه این اهداف، همچنان خلل‌هایی وجود دارد؛ از جمله در هدف سوم که درباره اصول دین اسلام است، فقط به دفاع در مقابل حمله‌ها اشاره شده و به حیث معرفت‌زایی توجه نشده است؛ توضیح اینکه، مطابق با تحقیقات برخی معاصران، حیث معرفتی دانش کلام شامل چهار مرحله «استنباط، توضیح، تنظیم و اثبات» می‌شود (ر.ک: کاشفی، ۱۳۸۶: ۳۷ - ۳۶؛ جبرئیلی، ۱۳۹۴: ۴۳؛ برنجکار، ۱۳۹۴: ۲۳ - ۲۲؛ صادقی، ۱۳۹۱: ۹۹ - ۱۸؛ خسروپناه، ۱۳۸۹: ۲۷؛ محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۳۲؛ رضائزاد، ۱۳۷۸: ۴۶ - ۴۰) که متأسفانه در هدف سوم، از تمامی این مراحل و حتی عنوان کلی آنها غفلت شده است.

۲. در هدف اول، همیشه ارتقا از مرحله تقلید نیست؛ بلکه گاه از مرحله شک شروع می‌شود؛ مانند اینکه متکلم هنوز شخصی را مرجع تقلید در مسئله‌ای نمی‌شناسد یا مسئله مستحدثه‌ای که هنوز نظر متقنی درباره آن ابراز نشده تا زمینه تقلید فراهم آید.

۳. هدف چهارم و پنجم نیز جای مناقشه دارد؛ چراکه غرض و هدف اساسی متکلمان از بحث در اصول اعتقادی و نوع نگاه ایشان در ارائه ساختار مباحث به‌گونه‌ای نیست که نشان دهد ایشان در پی میناسازی سایر علوم اسلامی همچون فقه یا تفسیر بوده‌اند. همچنین آنها درصدد توان‌مندسازی عملی مکلفان در صدق نیت و اخلاص عمل نبوده‌اند؛ حتی تعریف فیاض در همین کتاب *شوارق* که کلام را یک صنعت نظری معرفی نمود، می‌تواند ناقض این هدف باشد؛ چراکه اگر هدف پنجم از اهداف اولیه و اصلی باشد، باید کلام یک صنعت نظری - عملی به‌شمار آید. چنان‌که در ادامه بحث بیان می‌شود، این‌گونه اهداف و فواید، با تمام اهمیتی که دارند، در حقیقت ثمره و کارکرد ثانوی علم کلام هستند، نه هدف اصلی متکلمان. شکی نیست که حصول این دو ثمره علمی و عملی، مرهون بحث‌های کلامی و تقویت بعد اعتقادی مکلفان است؛ اما به هر حال، مطرح نمودن آن در قالب «هدف دانش کلام» ناصواب است. البته این نگاه جامع محقق لاهیجی، شایسته تقدیر و ستایش است و اگر دانش کلام با چنین رویکردی بازتولید شود، دارای ساختار و محتوایی متفاوت با کلام فعلی و به تبع آن، دارای آثار علمی و عملی فزون‌تری خواهد بود؛ چه‌بسا ایشان با توجه به همین هدف‌گذاری در پایان *گوهر مراد* مباحث اخلاقی و عرفانی را مطرح نموده باشد. به بیان دیگر، هدف چهارم و پنجم در مقام توصیه، اهداف جالب توجهی است؛ اما در مقام تحقق دانش کلام، صحیح به‌نظر نمی‌رسد.

۴. با توجه به ملاحظه پیشین، جایگاه هدف نهایی (رسیدن به سعادت) نیز مشخص می‌شود؛ زیرا اولاً، این هدف نیز درحقیقت، ثمره و کارکرد این دانش است؛ از این‌رو علامه حلی وظیفه کلام را حصول معرفت به خداوند و آثار و افعال و تکالیفش دانسته، می‌فرماید: «و ذلك هو سبب السعادة الأبدية والخلاص عن الشقاء»

الأبدی، ولا غاية أهد من هذه الغاية». (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۳) ثانیاً، هدف یادشده هیچ اختصاصی به علم کلام ندارد؛ بلکه در بسیاری از علوم، این غایت قصوا و هدف اعلا مدنظر دانش‌وران قرار گرفته است. ۵. در زمینه فروع دین، کارکرد علم کلام منحصر در مناسازی نیست؛ بلکه در دو حوزه کلان فقه و اخلاق، اگر تبیین مسئله یا پاسخ شبهه، به مبانی کلامی آن دو مرتبط شود، این وظیفه دانش کلام است که به تبیین یا دفاع اقدام کند.

۶. به لحاظ ترتیب موارد، بهتر بود هدف پنجم پس از هدف اول یا ضمن هدف اول مطرح شود؛ چراکه هر دو مورد درباره کسانی است که به فراگیری دانش کلام اشتغال دارند. البته ممکن است این تأخر در بیان هدف پنجم، عامدانه و بدین لحاظ بوده باشد که هدف عملی پنجم، از اهداف جانبی و ثانوی است، نه از اهداف اولی در فراگیری کلام.

۷. در برخی از این اهداف، منطق تفکیک و علت اختصاص آن به یک دسته روشن نیست؛ برای نمونه، دفاع از دین در برابر شبهات، هم می‌تواند هدف متکلم از فراگیری دانش کلام باشد، هم هدفی که در مواجهه با مخاطب مسترشد و معاند لحاظ گردد و هم هدفی که به اصول دین اسلام معطوف باشد. به بیان دیگر، ارتباط وثیق میان هدف متکلم و مخاطب و دین اسلام باعث می‌شود لزومی بر تفکیک میان آنها نباشد. هدف عملی که در ردیف پنجم ذکر شده نیز می‌تواند درباره عموم انسان‌ها یا دست کم دو مصداق متکلمان و مخاطبان مسترشد مطرح شود. بدین لحاظ، اگر بنا باشد تأثیر کلام بر هر دسته به‌طور متمایز ذکر شود، دست کم لازم بود دو هدف یادشده چندین بار تکرار شود. شاید به همین دلیل بوده است که از این نوع هدف‌گذاری در آثار دیگر استقبال نشده و به‌ویژه در تألیفات معاصر، به سبک دیگری بیان شده است.

۸. ملاحظه دیگر در عبارت‌پردازی ایشان، استفاده از چند واژه مختلف در تبیین اهداف دانش کلام است. ایشان در مقدمه کتاب *شوارق*، تیتیر بحث را این‌گونه آورده است: «مقدمة في تعريف علم الكلام و بيان موضوعه و غايته و مرتبته» (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۰) و از تعبیر «غایت» استفاده کرده است؛ اما هنگام بحث از غایت، در تیتیر و محتوا، تعبیر «فایده» را به کار برده است: «المطلب الثالث في بيان فائدة علم الكلام». (همان: ۱ / ۷۳) تمام پنج هدف یادشده نیز با همین تعبیر مطرح شده است. با این حال، در بیان هدف نهایی دوباره از تعبیر «غایت» و نیز از واژه «غرض» استفاده شده است: «و غاية ذلك كله هي الفوز بسعادة الدارين فان هذا الفوز مطلوب لذاته فهو منتهي الأغراض و غاية الغايات». (همان: ۱ / ۷۴ - ۷۳) این تنوع تعبیر در بیان اهداف دانش کلام در آثار دیگر متکلمان نیز مشهود است؛ لذا در ادامه بحث به بررسی این نکته می‌پردازیم.

۲. تنوع تعابیر در بیان اهداف دانش کلام

کلام‌پژوهان اهداف دانش کلام را با واژگان مختلفی نظیر: «هدف»، «غرض»، «آرمان»، «غایت»، «فایده»،

«نتیجه»، «وظیفه»، «رسالت» و «کار» مطرح نموده‌اند. این کلمات ممکن است به‌مثابه عاملی رهن در مسیر آموزش دانش کلام عمل کند. پس باید دید آیا می‌توان توجه درخوری نسبت به این ناسازواری ارائه نمود تا دسته‌بندی اهداف کلامی با ضابطه‌بندی دقیق‌تری انجام شود؟

با وجود این حجم از تنوع در تعبیر، قرآینی نشان می‌دهد که در تبیین اهداف دانش کلام، یک تسامح لفظی و اصطلاحی رخ داده است؛ اما در عین حال، مقصود مشترکی تمام این کلمات را پوشش می‌دهد. این قرائن عبارتند از:

الف) این واژگان از نظر لغوی، قابل تقسیم به چند دسته هستند که در هر دسته، قرابت معنایی وجود دارد. می‌توان گفت الفاظ «هدف»، «غرض و آرمان»، «غایت، فایده و نتیجه» و «وظیفه، رسالت و کار» معنایی همسان یا نزدیک به هم دارند که با قدری تسامح، کاربرد آنها به‌جای همدیگر را موجه می‌سازد.

ب) در تعداد قابل توجهی از آثار کلامی و نیز تحقیقات کلامی معاصر، چندین عنوان مختلف در کنار همدیگر به کار رفته و معادل با هم لحاظ شده است که مواردی از آن را برمی‌شماریم:

- عبارات حکیم لاهیجی در مقدمه *شوارق الإلهام*، که پیش از این بیان شد. (همان: ۱ / ۴۰، ۷۴ - ۷۳)

- استاد ربانی گلپایگانی در بیان «اهداف» و «وظایف» کلام، چهار «هدف» را بررسی نموده (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۳) و در اثر دیگری، از تعبیر «اهداف و رسالت‌ها» و «غایت کلام و رسالت متکلم» در بیان اهداف کلام بهره برده است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱: ۱۷ و ۲۲)

- آقای خسروپناه پس از بیان تعریف برگزیده خود از دانش کلام، چنین نوشته است: «فوائد و اهداف علم کلام و وظیفه متکلمان عبارتند از...» (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۲۷) آنگاه بدون هیچ تمایزی، اهداف کلام را برشمرده است.

- آقای برنجکار با صراحت بیشتری این نکته را بیان داشته است. وی در بحثی با عنوان «اهداف و وظایف متکلم» می‌گوید: «در بحث قبل، غایت علم کلام، استنباط و دفاع از آنها دانسته شد. این دو غایت، که وظایف و اهداف متکلم نیز هستند، قابل تحلیل به شش وظیفه است...» (برنجکار، ۱۳۹۴: ۲۲) وی در نوشتار دیگری، این شش وظیفه را با عنوان «کارهای متکلمین» بیان کرده است. (برنجکار، ۱۳۷۴: ۱۵۰)

- شیخ عبدالهادی الفضلی (م. ۱۴۳۴ ق) هم عبارتی دارد که گویای مدعای فوق است: «الغایة أو الفائدة من دراسته [علم الکلام] وتعلمه». (الفضلی، ۱۴۲۸ ق: ۹)

این عبارات نشان می‌دهد محققان معاصر در عمل پذیرفته‌اند که این واژگان، مقصود مشترکی را تعقیب می‌کنند و همگی حاکی از «اهداف» دانش کلام هستند.

ج) با وجود تفاوت مفهومی در این کلمات، با مراجعه به آثار و تحقیقات کلامی شاهد آنیم که مصادیق مشترکی برای آنها مطرح شده است. این قرینه مهم، پرده از مقصود متکلمان و محققان برمی‌دارد و نشان می‌دهد

ایشان با توجه به «حیث»های مختلفی که این مصداق ناظر بدانها هستند، از عناوین متفاوتی بهره برده‌اند. در جدول ذیل شماری از کاربردهای واژگانی مرتبط با اهداف دانش کلام در برخی از آثار کلامی امامیه و نیز تحقیقات کلامی معاصر ارائه شده است:

واژه								منبع
کار	رسالت	وظیفه	فایده	نتیجه	غایت	آرمان	غرض	
					*			حسن بن یوسف حلّی، نهاية المرام، ج ۱، ص ۱۲
			*		*			عبدالرزاق لاهیجی، شوارق الإلهام، ج ۱، ص ۳ و ۱۱
		*						عبدالله جوادی آملی، «کلام جدید»، در: اوجبی، کلام جدید مبانی و آموزه‌ها، ص ۶۵
		*						مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۲۸۴
					*			جعفر سبحانی، رسائل و مقالات، ج ۵، ص ۲۳ - ۲۴
		*			*		*	علی ربانی گلپایگانی، درآمدی بر کلام جدید، ص ۱۵ و ۲۳
	*				*		*	علی ربانی گلپایگانی، «مدخل علم کلام»، ص ۱۷ و ۲۲
		*	*				*	عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید با رویکرد اسلامی، ص ۲۷
		*			*		*	رضا برنجکار، روش‌شناسی علم کلام، ص ۲۲
*								رضا برنجکار، «علم کلام و جایگاه آن»، ص ۱۵۰
			*		*			عبدالهادی الفضلی، خلاصة علم الکلام، ص ۹
					*			محمد محمدرضایی، کلام جدید با رویکرد تطبیقی، ص ۳۲
		*						هادی صادقی، درآمدی بر کلام جدید، ص ۱۸
							*	احد فرامرز قراملکی، «تحلیل مفهوم تجدد...»، در: اوجبی، کلام جدید مبانی و آموزه‌ها، ص ۱۴۶
*		*						محمدرضا کاشفی، کلام شیعه...، ص ۳۶ - ۳۷
		*	*		*		*	محمدصفر جبرئیلی، سیر تطور کلام شیعه، ص ۴۳ - ۴۲
		*	*				*	محمدصفر جبرئیلی، «فلسفه علم کلام»، ص ۱۲۷ و ۱۳۰
	*	*	*				*	عزالدین رضانزاد، «اهمیت، اهداف و رسالت کلام و متکلمان»، ص ۴۰ - ۴۶
							*	حمیدرضا شاکرین، روش‌شناسی عقاید دینی، ص ۱۱۰

واژه								منبع	
کار	رسالت	وظیفه	فایده	پنجه	غایت	آرمان	غرض		
		*			*			محمد مهدی افضلی، «طبقه‌بندی آموزه‌های اعتقادی...»، ص ۷ و ۸	
				*				سید احمد صفایی، علم کلام، ج ۱، ص ۷	
						*		غلامعلی عباسی فردوئی، تاریخ علم کلام تا قرن چهارم، ص ۱۳	
۲	۲	۱۱	۶	۱	۱۰	۱	۲	۷	جمع اصطلاحات مورد استفاده در این نمونه آماری:

با توجه به قرائن پیش‌گفته روشن می‌شود که در بررسی هدف‌گذاری متکلمان نباید به الفاظی همچون هدف، غرض و غایت بسنده کرد و از تفنن عبارتی که در این زمینه اعمال شده، غفلت کرد؛ هرچند محتمل است که مؤلفی با جعل اصطلاح، برخی از واژگان مورد بحث را در معنای خاصی به کار برد.

از جمله کلماتی که با اصطلاحات همسو با «هدف» تفاوت دارد و ممکن است باعث اشتباه محقق شود، اصطلاح «کارکرد» است. منظور از کارکرد، نتایج ثانوی‌ای است که در هدف‌گذاری علم لحاظ نشده است؛ اما بالتبع حاصل می‌شود و برخی از مصادیقش - به تعبیر فیاض لاهیجی - منتهای اغراض و غایت‌های است؛ (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۵: ۱ / ۷۴) برای نمونه، «معنابخشیدن به حیات، آرمان‌سازی، جهت‌بخشی به همه سویه‌های زندگی و فعالیت‌های انسانی و در نهایت، استكمال نفس انسانی و رساندن او به سعادت پایا و فرجامین از راه درست‌اندیشی و حقیقت‌باوری» (شاکرین، ۱۳۹۴: ۱۱۱)^۱ از جمله کارکردهای علم کلام است که بیشتر آنها نه هدف مطرح شده‌اند و نه قابل استخراج از آثار کلامی هستند و اگر مواردی نیز هدف دانش کلام مطرح شوند، عنوان ثانوی و خارج از متن علمی و ظرف تحقیق این دانش است. چگونه می‌توان رسیدن به سعادت را غرض علم کلام دانست و با ملاحظه این غرض، علم کلام را از سایر علوم متمایز ساخت؛ درحالی‌که دست‌کم تمامی علوم اسلامی - اگر نگوئیم همه علوم انسانی - چنین هدف مشترکی را دنبال می‌کنند؟ البته در مواجهه با اصطلاح کارکرد نیز - بسان «هدف» - نباید بر عین الفاظ جمود داشت و با لحاظ مراد مؤلف، چه بسا الفاظ دیگری مثل «فایده»، «ثمره» و «نتیجه» نیز متضمن چنین مفهومی باشند.^۲

نتیجه

۱. ملاعبدالرزاق لاهیجی از بزرگ‌ترین متکلمان متأخر امامیه است. وی در برخی از آثار خود با عنایت و

۱. البته در این منبع نیز به‌درستی میان کارکرد و هدف عقاید دینی تفکیک شده است.

۲. نظیر هدف چهارم و پنجم علم کلام از دیدگاه فیاض لاهیجی.

تفصیل نسبی بیشتری به بحث از تعریف، موضوع و فایده علم کلام پرداخته است.

۲. تعاریف اغراضی از دانش کلام، به دو دسته قابل تقسیم است: تعاریفی که هدف دانش کلام را منحصر در دفاع می‌داند و تعاریفی که هدف این دانش را در دو ساحت دفاع و معرفت‌زایی معرفی می‌کند. فیاض لاهیجی در یکی از اولین آثار کلامی خود، رویکرد اول را اتخاذ نموده است؛ اما در گوه‌مراد که از آخرین آثار اوست، کلام قدما را دارای رویکرد دفاعی صرف و کلام متأخران را ترکیبی از هر دو ساحت دانسته است. محققان معاصر نیز بر همین رویکرد ترکیبی دانش کلام تأکید دارند.

۳. محقق لاهیجی در *شوارق‌الالهام* اهداف کلام را در قالب پنج مورد و یک هدف نهایی بیان داشته است. این اهداف اگرچه دارای یک جامع‌نگری نسبی است، ملاحظات متعددی بر آن وارد است و از این‌رو چندان مورد استقبال متکلمان و محققان بعدی قرار نگرفته است.

۴. بسیاری از متکلمان، از جمله فیاض لاهیجی، در بیان اهداف دانش کلام، واژگان متعددی را به کار برده‌اند. قرائن متعددی نشان می‌دهد که از این واژگان به‌ظاهر متفاوت، مقصود مشترکی اراده شده که همان «هدف» از این دانش بوده است.

۵. برخی از مواردی که هدف دانش کلام معرفی شده‌اند، درحقیقت ثمره و کارکرد این دانش هستند، نه هدف و غرض این دانش؛ مانند: رسیدن به سعادت، تقویت بعد عملی و تربیتی مکلفان و مبناسازی برای سایر علوم اسلامی.

۶. تمامی اهداف دانش کلام - چه در مقام توصیه و توصیف و چه در مقام تحقق - یک رویکرد مشترک دارند که براساس آن، دانش کلام دارای هویتی «معرفت‌زا» و «آموزش‌محور» است. دغدغه اصلی در این‌ها هویت آموزشی، تولید دانش و معرفت‌نظری در حوزه اعتقادات اسلامی است.

منابع و مآخذ

۱. آشتیانی، سیدجلال‌الدین، ۱۳۷۸، *منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میر داماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲.
۲. آل‌یاسین، جعفر، ۱۴۰۵ ق، *الفارابی فی حدوده و رسومه*، بیروت، عالم‌الکتب، چ ۱.
۳. اسدی، محمدرضا، ۱۳۸۷، «پیوند علم کلام با سنت و تجدد»، در مجموعه: *کلام جدید مبانی و آموزه‌ها*، به کوشش علی‌اوجبی، تهران، اساطیر، چ ۱.
۴. افضل‌ی، سیدمحمد مهدی، ۱۳۸۹، «طبقه‌بندی آموزه‌های اعتقادی در دوره‌های مختلف کلام اسلامی»، *عبار پژوهش در علوم انسانی*، ش ۳.

۵. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، *أعيان الشيعة*، به کوشش سید حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۶. برنجکار، رضا، ۱۳۷۴، «علم کلام و جایگاه آن»، *کیهان اندیشه*، ش ۶۰.
۷. _____، ۱۳۹۴، *روش شناسی علم کلام (اصول استنباط و دفاع در عقاید)*، قم، دار الحدیث، چ ۲.
۸. تهرانی، آقابرگ، ۱۳۶۳، *طبقات أعلام الشيعة*، تحقیق علی نقی منزوی، تهران، مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲.
۹. جبرئیلی، محمد صفر، ۱۳۸۵، «فلسفه علم کلام»، *قبسات*، ش ۳۹ و ۴۰.
۱۰. _____، ۱۳۹۴، *سیر تطور کلام شیعه (دفتر دوم: از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۳.
۱۱. جرجانی، میر سید شریف، ۱۳۲۵ ق، *شرح الموافقات*، تحقیق محمد النعسانی، قم، شریف رضی، چ ۱.
۱۲. _____، ۱۴۱۲ ق، *التعريفات*، تهران، ناصر خسرو، چ ۴.
۱۳. جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴، *یادنامه حکیم لاهیجی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، «کلام جدید»، در: *کلام جدید مبانی و آموزه‌ها*، به کوشش علی اوجبی، تهران، اساطیر، چ ۱.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، سید محمد، بهار ۱۳۸۰، «زندگی، شخصیت و مکتب صدر المتألهین»، *خردنامه صدر*، ش ۲۳.
۱۶. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹، *کلام جدید با رویکرد اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف، چ ۱.
۱۷. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۷۱، «مدخل علم کلام»، *کیهان اندیشه*، ش ۴۱.
۱۸. _____، ۱۳۸۹، *درآمدی بر کلام جدید*، قم، مرکز نشر هاجر، چ ۵.
۱۹. رضائزاد، عزالدین، ۱۳۷۸، «اهمیت، اهداف و رسالت کلام و متکلمان»، *کلام اسلامی*، ش ۳۰.
۲۰. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۵ ق، «الشيعة الامامية الاثناعشرية»، در: *رسائل و مقالات*، ج ۵، قم، موسسه الامام الصادق عليه السلام، چ ۲.
۲۱. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله، ۱۴۰۵ ق، *إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين*، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۲. شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۹۴، *روش شناسی عقاید دینی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

۲۳. شوشتری، قاضی نورالله، ۱۳۷۷ ق، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامیه.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *الإعتقادات*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، ج ۲.
۲۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۵۱، «شرح العبارات المصطلحة بين المتكلمين»، در مجموعه: *چهار فرهنگ نامه کلامی*، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، مشهد، الذکری الألفية للشيخ الطوسی.
۲۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *تصحیح اعتقادات الإمامية*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، ج ۱.
۲۷. صادقی، هادی، ۱۳۹۱، *درآمدی بر کلام جدید*، قم، کتاب طه و نشر معارف، ج ۶.
۲۸. صفایی، سید احمد، ۱۳۷۴، *علم کلام*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۶.
۲۹. عباسی فردویی، غلامعلی، ۱۳۸۵، *تاریخ علم کلام تا قرن چهارم*، قم، زائر، ج ۱.
۳۰. عطایی نظری، حمید، ۱۳۹۰، «نکاتی در باب فیاض لاهیجی و نگاهشته‌های کلامی او»، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۸.
۳۱. عطایی نظری، حمید، ۱۳۹۲، *فیاض لاهیجی و اندیشه‌های کلامی او*، قم، دفتر نشر معارف، ج ۱.
۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۹ ق، *نهاية المرام فی علم الکلام*، تحقیق فاضل عرفان، ج ۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۳. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۷، «تحلیل مفهوم تجدد در کلام جدید»، در: *کلام جدید مبانی و آموزه‌ها*، به کوشش علی اوجیبی، تهران، اساطیر، ج ۱.
۳۴. الفضلی، عبدالهادی، ۱۴۲۸ ق، *خلاصة علم الکلام*، قم، دار الكتاب الاسلامی، ج ۳.
۳۵. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۸۳، *گوهر مراد*، تهران، نشر سایه، ج ۱.
۳۶. _____، ۱۳۹۱، *الکلمة الطيبة*، تحقیق حمید عطایی نظری، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ج ۱.
۳۷. _____، ۱۴۲۵ ق، *شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام*، تحقیق اکبر اسدعلیزاده، ج ۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۱.
۳۸. کاشفی، محمدرضا، ۱۳۸۶، *کلام شیعه (ماهیت، مختصات و منابع)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲.
۳۹. محمدرضایی، محمد، ۱۳۹۰، *کلام جدید با رویکرد تطبیقی*، قم، دفتر نشر معارف، ج ۱.

۴۰. محمدی، مسلم، بهار ۱۳۹۰، «فلسفه علم کلام در اندیشه استاد مطهری»، *فلسفه دین*، س هشتم، ش ۳۹ و ۴۰.
۴۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ الف، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، در: *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۲۴، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مطهری.
۴۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ ب، *کلام (کلیات علوم اسلامی)*، ج ۲، در: *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۳، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مطهری.
۴۳. مظفر، محمد حسین، ۱۴۲۲ ق، *دلائل الصدق*، ج ۱، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱.
۴۴. مکدرموت، مارتین، ۱۳۷۲، *اندیشه های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. نعمانی، شبلی، ۱۳۸۶، *تاریخ علم کلام*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، اساطیر، چ ۱.